

بی "دادنامه" شعبه 1083 دادگاه

مجتمع کارکنان دولت،

سندی بر پوشالی بودن "احکام"

دستگاه قضایی در ضدیت با

حقوق کارگران است!

در سند ضمیمه که تحت عنوان "دادنامه" از سوی شعبه 1083 دادگاه مجتمع کارکنان دولت – تهران علیه آقایان مرتضی کمساری، علی اکبر نظری و غلامرضا غلامحسینی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه صادر شده، در بخش "رأی دادگاه"، علاوه بر این که در ابتدا تصریح می‌شود که "بدون سابقه کیفری" هستند، مدعی می‌شود که ایشان "بدلیل ارتکاب جرایم امنیتی و احراز ارتباط سندیکای مذکور با مخالفین خارج از کشور، مدت مدیدی در بازداشت بوده اند!" در ابتدا در یک رأی رسمی حقوقی و "قانونی" با یک چنین تناقضی روبرو می‌شویم! ضمن این که معلوم نیست "جرایم امنیتی" اینان چیست غیر از این که در دفاع از حقوق و منافع خود و هم-طبقه‌ای‌هایشان، طبق قوانین داخلی و بین‌المللی در راستای احقاق حقوق حقه خود و جامعه کارگری حرکت می‌کنند که دولت قانون شکن و مسئولین فاقد صلاحیت با حمایت قوه قضائیه که خود مشوق قانون شکنی مسئولین اجرایی کشور است، کارگران زحمتکش و حق طلب را دچار مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی می‌نماید؟ و یا طبق کدام قانون یا حکمی ارتباط با مجامع بین‌المللی مدافع حقوق کارگران و یا نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران، تحت عنوان "مخالفین خارج از کشور" جرم است؟

در این رأی، سندیکا را "خود خوانده و غیر قانونی" اعلام کرده‌اند. اولاً مگر شما اساساً حقوقی برای کارگر و تشکلش قائل هستید که "خود خوانده" است؟ شما کدام تشکل مستقل را به رسمیت شناخته‌اید که این دومی‌اش باشد؟ طبیعی است در نظامی که کمترین حقوقی برای کارگران قائل نیست، کارگران خود متشکل شده و نیازی هم به ثبت تشکلشان در چنین دستگاه ضد کارگری ندارند. بعلاوه برای اولین بار است که یک سندیکای کارگری در ایران رسماً و طی یک رأی حقوقی بدون بیان هیچ استنادات و یا استدلالاتی "غیر قانونی" اعلام می‌شود. مقامات وزارت کار حتماً در مقابل نمایندگان سازمان جهانی کار، مدعی آزادی تشکلات کارگری در ایران شده و هیچ جا از تشکلی غیر قانونی نام نبرده‌اند. حال طبق این سند به وضوح مشخص می‌شود که در چنین نظامی، قانون یعنی منافع سرمایه و لذا هر نوع حرکت، تجمع و تشکلی برخلاف "قانون" است و جزو "جرایم امنیتی" محسوب می‌شود! چون امنیت سرمایه و حاکمیت دیکتاتوری را تهدید می‌کند.

اما "جرم" اصلی و گناه کبیره این کارگران از این جا آغاز می‌شود: "اخیراً نام‌برندگان با سوءاستفاده از احکام بازگشت به کار صادره از ادارات کار و امور اجتماعی به تحرکات سابق ادامه داده و ... در همین جا مکثی کنیم؛ به خاطر داریم که در دوره اسارت این عزیزان، مدیر عامل کینه توز و ضد کارگر شرکت واحد، تحت عنوان "غیبت از کار"! آنان را از شرکت اخراج کرد. اما ایشان با مبارزه‌ای متحد و طولانی و با مراجعه مداوم به مراجع مربوطه، وزارت کار را مجبور نمودند که احکام بازگشت به کار تعدادی از اعضای هیئت مدیره سندیکا را صادر کنند. حال گویا در مقابل چنین "لطف و مرحمت و یا ترحمی" کارگران بازگشتی می‌بایست دست به سینه در خدمت جناب مدیر عامل بوده و دعاگوی ایشان باشند و مدح و ثنایش را بگویند، اما چون چنین نکرده و "به تحرکات سابق ادامه داده‌اند"، نمکدان شکن و قدرناشناسند و از احکام بازگشت سوءاستفاده کرده‌اند!!!

حال ببینیم این "تحرکات" چیست؟ "... و با چاپ کارت‌های ویزیت به شرح نمونه پیوست با تکرار ادعاهای قبلی مبنی بر "داشتن سندیکا حق مسلم کارگران است" اقدام به فعالیت تبلیغی به نفع سندیکا نموده و ... "چه گناه کبیره‌ای؟! سندیکا و هیئت مدیره‌ای که در مجمع عمومی 3 هزار نفره اعضایش انتخاب شدند، طبعاً نمایندگان واقعی کارگران و وکیل رسمی آنها در طرح و پیگیری مطالباتشان در مراجع مربوطه هستند و با انتشار این کارت و تأکید بر "داشتن سندیکا حق مسلم کارگران است"، علاوه بر انجام بخش کوچکی از وظایفشان، به طعنه به شما جیره خواران و رئیس جمهوری‌تان حالی کرده‌اند که انرژی هسته‌ای حق مسلم‌شان نیست، سندیکا حق مسلم کارگران است! رسیدگی و پیگیری مشکلات کارگران، یکی از وظایف مسئولین سندیکاست و انتشار این کارت و توزیع آن در میان کارگران شرکت واحد با دادن اسامی مسئولین و شماره تلفن آنها جهت مراجعه کارگران، تنها اقدامی در جهت تسهیل انجام این وظیفه سندیکایی است. اما "فضات" این بی‌دادگاه، ابلهانه این اقدام را مستمسک قرار داده و با ردیف کردن چندین ماده "قانونی" آن را به‌طور مضحک و مفتضحانه‌ای از مصادیق جرایم تظاهر و مداخله در امر وکالت (بزه مصرح در ماده 55 قانون وکالت) ... اعلام کرده و علاوه بر این که با استناد به موادی از قانون کار، تلویحاً این "تحرکات" را از نظر قوانین کار، "بلامانع" می‌نامد، اما از نظر قانون وکالت، آن را جرم نابخشودنی و "دخالت در امور وکالت" (حتماً در مراجعات به هیئت حل اختلاف) شمرده و با تکرار و تأکید چندین باره بر توزیع آن کارت ویزیت – که گویا سلاح گرمی برای براندازی رژیم است! – سرانجام با صغرا، کبرا کردن‌های طولانی "قانونی"، پیروزمندانه حکم مشعشعانه خود را صادر نموده و هریک از سه نفر "متهمین" "بزه‌کار" را "به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت" محکوم می‌کند!

به روشنی پیداست که با چنین حکمی هدف "دادگاه" غیر از فشار و ارباب بیشتر بر کارگران، چیزی نیست بجز مقداری اخاذی و سرکیسه کردن کارگرانی که در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، به سود کیسه خلیفه! زهی بی‌شرمی و وقاحت!

ما با انتشار این سند، ضمن افشای ماهیت ضد کارگری رژیم و "احکام" پوشالی "دادگاه" اش، اعلام می‌کنیم که این سند را به دادگاه‌های بین‌المللی و کمیسیون تشکلات کارگری سازمان جهانی کار ارائه داده و علیه این احکام و جمهوری اسلامی اقامه دعوا خواهیم کرد.

کمیسیون حقوقی نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور



دادگستری جمهوری اسلامی ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا»

شعبه ۱۰۸۳ دادگاه مجتمع کارکنان دولت-تهران

شماره دادنامه: ۹۰۰۹۹۷۰۲۳۰۶۰۰۰۶۲
شماره پرونده: ۹۰۰۹۹۸۰۲۳۰۶۰۰۰۰۳
شماره بایگانی شعبه: ۹۰۰۰۲۰
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۰/۰۳/۰۷
پیوست:

دادنامه

تاریخ رسیدگی: ۹۰/۳/۷

شماره پرونده: ۹۰۰۹۹۸۰۲۳۰۶۰۰۰۰۳

شماره بایگانی: ۹۰۰۰۲۰

شماره دادنامه: ۹۰/۳/۷-۹۰۰۹۹۷۰۲۳۰۶۰۰۰۶۲

مرجع رسیدگی: شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزائی تهران ویژه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت
شاکی: شرکت اتوبوسرانی تهران به نشانی تهران-میدان رسالت-خ هنگام-ساختمان مرکزی شرکت واحد اتوبوسرانی
تهران و حومه
متهمین: آقایان مرتضی کمساری استاجی و علی اکبر نظری و غلامرضا غلامحسینی با وکالت آقای احسان مزین به
نشانی تهران-خیابان سید جمال الدین اسد آبادی-خیابان دوم-پلاک ۱۱-واحد ۶
اتهام: تظاهر و مداخله در امر وکالت دادگستری
گردشگار: پس از ارجاع پرونده به این دادگاه و وصول به شعبه به کلاسه فوق ثبت و پس از جری تشریفات قانونی
دادگاه در وقت مقرر / فوق العاده بتصدی امضاء کننده ذیل تشکیل است با بررسی پرونده ختم رسیدگی را اعلام و با
استعانت از خداوند متعال بشرح ذیل مبادرت بصدور رای مینماید.

((رأی دادگاه))

در این پرونده و حسب کیفرخواست صادره آقایان ۱-مرتضی کمساری استاجی فرزند محمد و ۲-علی اکبر نظری
فرزند ابراهیم و ۳-غلامرضا غلامحسینی فرزند حسن همگی رانندگان شرکت واحد و بدون سابقه کیفری و با وکالت
آقای احسان مزین متهمند به تظاهر و مداخله در امر وکالت دادگستری، با این توضیح که مدیرعامل شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه در مورخ ۸۹/۵/۳۰ طی شرحی خطاب به دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران اعلام
داشته که متهمین فوق از اعضای **سندیکای خود خوانده و غیرقانونی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران** بوده که بدلیل
ارتکاب جرایم امنیتی و احراز ارتباط سندیکای مذکور با مخالفین خارج از کشور مدت مدیدی در بازداشت بوده اند.
اخیراً نامبردگان با سوءاستفاده از احکام بازگشت به کار صادره از ادارات کار و امور اجتماعی به تحرکات سابق ادامه
داده و با چاپ کارتهای ویزیت به شرح نمونه پیوست با تکرار ادعاهای قبلی مبنی بر ((**داشتن سندیکا حق مسلم**
کارگران است)) اقدام به فعالیت تبلیغی به نفع سندیکا نموده و خود را تحت عنوان گروه حقوقی کارگران، وکیل و
مشاور حقوقی معرفی و بدین سان سعی دارند تا به هر نحو ممکن در درون قشر زحمتکش شرکت واحد نفوذ نموده و
آنان را ترغیب به همسوئی با اهداف خاص خود نمایند، علیهذا اگرچه اقدام اخیر آنان در چاپ و توزیع کارتهای
مذکور ممکن است از مصادیق جرایم تظاهر و مداخله در امر وکالت (بزه مصرح در ماده ۵۵ قانون وکالت) باشد...
سپس با احضار نامبردگان اتهام موصوف تفهیم و نهایتاً با صدور کیفرخواست ارسال گردیده، با عنایت به اوراق و
محتویات پرونده و اظهارات نماینده شاکی در جلسه دادرسی و همچنین مدافعات بعمل آمده از سوی متهمین و وکیل
ایشان در بدو امر این طور به ذهن متبادر میگردد که با توجه به مواد ۱۵۷ و ۱۶۱ و ۱۶۴ از قانون کار و یا مواد متعددی

نشانی: تهران-خیابان انقلاب-خیابان قدس-روبروی خیابان پورسینا-مجتمع کارکنان دولت



دادگستری جمهوری اسلامی ایران

«فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَغْدِلُوا»

شعبه ۱۰۸۳ دادگاه مجتمع کارکنان دولت-تهران

شماره دادنامه: ۹۰۰۹۹۷۰۲۳۰۶۰۰۰۶۲
شماره پرونده: ۹۰۰۹۹۸۰۲۳۰۶۰۰۰۰۳
شماره بایگانی شعبه: ۹۰۰۰۲۰
تاریخ تنظیم: ۱۳۹۰/۰۳/۰۷
پیوست:

دادنامه

از آیین نامه رسیدگی و چگونگی تشکیل جلسات هیأت های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۴ قانون کار، و تجویز حضور نمایندگان از سوی طرفین دعوی (کارفرما یا کارگر) مانع قانونی برای اقدامات نامبردگان نباشد اما ماده ۵۵ قانون وکالت از نظر این دادگاه با در نظر گرفتن اصول حقوقی و حتی تفسیر مضیق از قوانین جزایی بدین نحو قابل تفسیر است که این نوع تظاهر و مداخله با عناوینی همچون مشاوره حقوقی و یا وکالت همراه باشد و در مانحن فیه نامبردگان مبادرت به توزیع کارتهای ویزیت نموده اند که در آنها عناوین مشاوره- گروه حقوقی کارگران- وکالت- قبول وکالت امور کارگری در ادارات کار، به چشم می خورد که همین موضوع نوعی تظاهر و مداخله در امر وکالت و این دفاع که اقدامات نامبردگان در هیأت حل اختلاف محدود می شود هم بلاوجه است زیرا با توزیع این کارتها و مراجعه کارگران به نامبردگان رکن مادی این بزه تحقق پیدا نموده و در حقیقت حضور آنها بعنوان نماینده و یا وکیل در جلسات آن هیأت را نمی توان نافی ارتکاب بزه اخیر در قسمت اول قضیه دانست و به عبارت دیگر با توزیع کارت و مراجعه کارگران این تظاهر و مداخله در امر وکالت به عینیت رسیده است و حضور و یا عدم حضور بعدی در جلسات هیأت حل اختلاف هیچ تأثیری در قضیه نخواهد داشت لهذا با در نظر گرفتن جمیع جهات قانونی و دفاعیات غیرموجه متهمین و وکیل ایشان و قراین و امارات موجود بزهکاریشان محرز و مسلم بوده و مستنداً به ماده ۵۵ قانون وکالت و با لحاظ بند دوم از ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و آخرین تغییرات ابلاغی در سال ۸۹ هریک از نامبردگان به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم میگردد رأی صادره حضوری محسوب و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد. /ب

صدیقی

رئیس شعبه ۱۰۸۳ دادگاه عمومی جزایی تهران ویژه کارکنان دولت

امضای تنظیم کننده

نشانی: تهران-خیابان انقلاب-خیابان قدس-روبروی خیابان پورسینا-مجتمع کارکنان دولت

مشاوره **گروه حقوقی کارگران** وکالت

قبول وکالت امور کارگری در ادارات کار

غلامرضا غلامحسینی ۰۹۱۲۶۹۷۳۵۹۶

۰۹۱۲۳۹۸۴۵۳۰ اکبر نظری ۰۹۱۹۲۴۴۶۰۹۶ مرتضی کساری

داشتن سندیکا حق مسلم کارگران است

اصل بیست و دوم قانون اساسی

حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض

مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

بازتکتیر: نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور

nhkommittehamahangi@gmail.com

<http://nahadha.blogspot.com/>

boltanxaberi@gmail.com

<http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy>